

INTANGIBLES

نامشهود ها

For accounting purposes, assets are broadly classified as either tangible or intangible. Tangible refers to the physical substance of an asset, and intangible implies that the asset lacks physical substance. In legal terminology, the term intangible is being applied to nonphysical properties, including cash, accounts and notes receivable, etc. For financial accounting purposes, however, intangible assets include patents, copyrights, trademarks and trade names, secret formulas, organization costs, franchises, licenses, and goodwill.

برای مقاصد حسابداری، دارایی‌ها به دو گروه عمده مشهود و نامشهود طبقه بندی می‌شوند. مشهود به جسم فیزیکی یک دارایی اشاره می‌کند، و نامشهود آن دارایی را گویند که فاقد جسم فیزیکی باشد. در اصطلاحات قانونی لفظ نامشهود برای اموال فاقد جسم فیزیکی بکار برده می‌شود، شامل نقدینگی، حسابها و اسناد دریافتی و غیره. هرچند برای مقاصد حسابداری دارایی‌های نامشهود شامل حق اختراع، حق نشر، علائم تجاری و نامهای تجاری، فرمولهای سری، هزینه های تاسیس، امتیاز انحصار، جوازها و سرقفلی می‌باشد.

It is relatively easy to know when a tangible asset exists, but evidence of the existence of intangible assets may be vague, and the relationship between costs incurred and the emergence of an asset may be difficult to establish objectively.

شناسایی وجود یک دارایی مشهود نسبتاً ساده است، اما دلیل وجود یک دارایی نامشهود ممکن است مبهم باشد، و برقراری ارتباط منطقی میان هزینه های متحمل شده و بطور واقعی تصدیق یک دارایی ممکن است بسیار سخت باشد.

Characteristics of Intangibles

Intangible assets are not precisely defined in accounting. However, for accounting purposes, an intangible asset usually has the following characteristics: 1) lacks physical substance, 2) has future economic benefits (i.e., ownership rights) that often are difficult to measure, 3) has a useful life that is sometimes difficult to determine, and 4) is often acquired for operational use.

ویژگیهای نامشهودها

دارایی‌های نامشهود تعریف دقیقی در حسابداری ندارند. هرچند، برای مقاصد حسابداری دارایی‌های نامشهود معمولاً مشخصات زیر را دارند: (1) فقدان جسم فیزیکی، (2) داشتن منافع آتی اقتصادی (از قبیل حقوق مالکانه) که اغلب به سختی قابل اندازه گیری است، (3) داشتن عمر مفید که گاهی اوقات تعیین آن مشکل است، و (4) اغلب برای استفاده عملیاتی خریداری می‌شوند.

The economic value of both tangible and intangible assets depends on their ability to generate future revenue and earnings and this often is difficult to measure for tangible assets as it is for intangibles. However, physical existence is not a guarantee of economic value (e.g., obsolete machinery), nor does the absence of physical existence preclude economic value (e.g., the Listerine formula).

ارزش اقتصادی دارایی‌های مشهود و نامشهود به توانایی آنها در تحصیل سودها و درآمد آتی بستگی دارد و اغلب اندازه گیری این برای دارایی‌های مشهود و همینطور برای نامشهودها مشکل است. همانطور که وجود فیزیکی تضمینی برای ارزش اقتصادی نیست (مانند ماشین آلات فرسوده) فقدان وجود فیزیکی نیز مانع ارزش اقتصادی نیست (مانند فرمول لیسترتین).

Cost of Intangibles

Intangible assets should be recorded at acquisition date at their current cash equivalent cost in conformity with the cost principle. Cost includes all expenditures made to acquire the asset including purchase price, transfer and legal fees, and any other expenditure related to its acquisition. The acquisition cost is the current market value of all considerations given or of the asset received, whichever is more reliably determinable.

بهای نامشهودها

دارایی‌های نامشهود باید مطابق با قوانین بهای تمام شده به بهای معادل نقد جاری در تاریخ خرید ثبت شوند. بهای تمام شده شامل تمام هزینه های خرید دارایی شامل قیمت خرید، حمل و حق الزحمه های قانونی و هر هزینه دیگری که مرتبط با خرید آن باشد می‌شود. بهای خرید ارزش جاری بازار تعهدات داده شده یا دارایی دریافت شده (هرکدام که به طور قابل اعتماد تری قابل تعیین باشد) است.

Leasehold Improvements

Long-term leases ordinarily provide that any leasehold improvements made to the leased property revert to the lessor at the end of the life of the lease. If the lessee constructs new building on leased land, or reconstructs and improves the existing building, which becomes the property of the lessor when lease expires, it has the right to use such facilities during the life of the lease. These leasehold improvement charges should be debited to the leasehold improvement account and amortized over the remaining life of the lease agreement, or the useful life of the improvements, whichever is shorter.

اصلاح و بهسازی اموال استیجاری

در اجاره های بلندمدت برای پس دادن اموال اجاره شده به موجر در پایان دوره اجاره نیاز به اصلاح و بهسازی اموال استیجاری است. اگر مستاجر در زمین استیجاری ساختمان جدیدی بسازد، یا ساختمانهای موجود را نوسازی و بهبود ببخشد که در زمان انقضای اجاره به موجر تحویل می‌شود، که حق استفاده از این امکانات در دوره اجاره است. این هزینه های اصلاح و بهسازی اموال استیجاری باید به حساب اصلاح و بهسازی اموال استیجاری بدهکار شوند و در مدت باقیمانده اجاره یا عمر مفید بهسازی ها هرکدام کوتاه تر است مستهکک شوند.

Organization Costs

Costs incurred in the formation of a corporation such as fees to underwriters, legal fees, state fees, and promotional expenditures are classified as organization costs and are debited to an asset account of the same title. These costs are amortized over an arbitrary period of time not exceeding 40 years, since the life of the corporation is usually indeterminate. But the common period of amortization, which best approximates tax regulations, is 5 to 10 years because of the assumption that early years of a business benefit most from the organization costs.

هزینه های تاسیس

هزینه های متحمل شده برای تشکیل یک شرکت از قبیل حق الزحمه پذیره نویسی، هزینه های قانونی، هزینه های دولتی و مخارج راه اندازی به عنوان هزینه های تاسیس طبقه بندی می شوند و در یک حساب دارایی به همین نام بدهکار می شود. این هزینه ها در یک دوره زمانی اختیاری که نباید بیشتر از 40 سال (از عمر شرکت که معمولاً نامشخص است) تجاوز کند مستهلک می شوند. اما دوره عادی استهلاک (که نزدیکترین تقریب به مقررات مالیاتی است) بین 5 تا 10 سال است زیرا فرض بر این است که سود تجاری سالهای اولیه بیشتر از هزینه های تاسیس است.

R&D Costs

Research and development (R&D) costs are not in essence intangible assets. However, since R&D activities frequently result in developing new product, processes, or formulas, they are presented here. Research is a planned search or critical investigation aimed at discovery of new knowledge with the hope that it will be useful in developing a new product, service, process, technique ... or in bringing about a significant improvement to an existing product or process. Development is the translation of research findings or other knowledge into a plan or design for a new product, etc.

هزینه های تحقیق و توسعه

هزینه های تحقیق و توسعه ذاتاً یک دارایی نامشهود نیستند. اگرچه غالباً فعالیتهای تحقیق و توسعه منتج به محصول، فرایند یا فرمول جدید می شود، تحقیق یک جستجوی با برنامه یا رسیدگی بحرانی است که به کشف دانش جدیدی که در توسعه یک محصول، خدمت، فرایند، تکنیک و ... جدید مفید باشد یا موجب پیشرفت مهم در محصولات یا فرایندهای موجود گردد، منتهی شود. توسعه انتقال جستجوی های تحقیق یا دیگر دانشها به نقشه یا طراحی یک محصول جدید می گردد.

Goodwill

Goodwill differs from other intangible assets. The nature of goodwill has been the subject of debate since before the end of 19th century. However, the early discussions centered primarily on the legal recognition and definition of the concept. From an accounting point of view, three major conceptions of goodwill appear frequently in the literature as follows:

- 1) The valuation of favorable intangible attitudes toward the firm,
- 2) The present discounted value of the excess of expected future profits over what considered a normal return on the total investment not including the goodwill, and
- 3) A master valuation account.

سرقفلی

سرقفلی با دیگر داراییهای نامشهود متفاوت است. ماهیت سرقفلی از قبل از پایان قرن 19 موضوع مباحثات است. اگرچه مباحثات اولیه بر شناسایی قانونی و تعریف مفهوم آن متمرکز بوده است. از نقطه نظر حسابداری سه مفهوم مهم سرقفلی در ادبیات بیشتر به ذهن میرسد که به شرح زیر است:

- 1) ارزیابی گرایشهای نامشهود مثبت به سمت شرکت
- 2) ارزش تنزیل شده فعلی مازاد سودهای مورد انتظار آتی که بیشتر از بازده عادی جمع سرمایه گذارها می باشند و شامل سرقفلی نیست و
- 3) یک حساب کلی ارزشیابی

In the first and second definitions, goodwill is usually considered to be a separate asset with specific characteristics. In the third definition, however, it is not generally considered to be a separate distinct asset. As a master valuation account, goodwill is classified as an unidentifiable intangible asset and it is related to the acquired company as a whole, not to its individual assets. The main reason for existence of such goodwill is that the total amount paid for acquisition of an enterprise has not been assignable to each specific asset of the acquired company. Therefore, the amount of goodwill can be determined by subtracting the fair market value of each individual assets of the acquired company from the total amount paid for acquiring it.

Goodwill should be amortized over its useful life not exceeding 40 years using the straight-line method or any other systematic method which best fits its usage pattern.

در تعاریف اول و دوم سرقفلی معمولاً به عنوان یک دارایی جداگانه با مشخصات خاص در نظر گرفته می شود. در تعریف سوم هرچند معمولاً به عنوان یک دارایی قابل تشخیص جداگانه در نظر گرفته نمی شود. به عنوان یک حساب کلی ارزشیابی سرقفلی به عنوان یک دارایی نامشهود غیرقابل تعریف طبقه بندی می شود که مرتبط است با خرید شرکت به عنوان یک کل و نه دارایی های خاصی. دلیل اصلی وجود این سرقفلی آن است که جمع مبالغ پرداخت شده برای خرید شرکت، قابل تخصیص به هر دارایی خاص شرکت خریداری شده نیست. بنابراین مبلغ سرقفلی می تواند با کسر ارزش منصفانه بازار هر کدام از داراییهای خاص شرکت خریداری شده از جمع مبلغ پرداخت شده برای آن بدست آید.

سرقفلی باید در طول عمر مفید خود که نباید بیشتر از 40 سال باشد با روش خطی مستقیم یا هر روش سیستماتیک دیگری که بهترین مطابقت را با الگوی استفاده داشته باشد مستهلک می گردد.

این متن مربوط به درس چهاردهم کتاب ENGLISH FOR THE STUDENT OF ACCOUNTING آقای عبدالرضا تالانه می باشد.